امام خامنه‌ای در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف بسیجی تبیین کردند

تفکر بسیجی؛ بن‌بست‌شکن و نقطه مقابل تحقیر ملی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف بسیجی، این پدیده بی‌نظیر را برخاسته از فرهنگ، هویت ملی و تاریخ ایران خواندند و با اشاره به ضرورت تقویت و کیفی‌سازی فعالیت‌های بسیج، گفتند: مکتب و تفکر و اندیشه بسیجی بر دو پایه «خداباوری» و «خودباوری» استوار است و این دو خصوصیت ممتاز، عامل غلبه قطعی بر سیاست‌ها و نقشه‌های استکبار جهانی خواهد بود.[1]

• پدیده بسیج، اصیل، ریشه‌دار و ماندنی است

درباره بسیج، چند جمله‌ای عرض می‌کنیم. بسیج مستضعفین در کشور، یک پدیده بی‌نظیر بود که به‌وجود آمد؛ این پدیده، در هیچ نقطه دیگری، در هیچ کشور دیگری در عالم، به این شکل سابقه نداشت و پدیده استثنائی محسوب می‌شد. این را از جهات مختلفی توضیح می‌دهم، عرض می‌کنم. این پدیده یک پدیده تقلیدی نبود، گرته‌برداری نبود؛ از فرهنگ ملّی خودمان و از تاریخ ما این پدیده جوشید. این اوّلین حرف ماست؛ نتیجه این حرف هم این است که این پدیده چون اصیل است، ماندنی است؛ این پدیده از بین‌رفتنی نیست. ثابت است، ماندنی است؛ چون ریشه‌دار است؛ مربوط به خود این ملّت، این تاریخ و این هویّت ملّی و ایرانی است.

این، یک شبکه‌سازی فرهنگی است. بسیج در اصل، یک شبکه‌سازی فرهنگی و اجتماعی و البتّه نظامی است. آن چیزی که امروز ابتدائاً به ذهن می‌رسد، جنبه نظامی بسیج است؛ درحالی‌که جنبه نظامی با همه اهمّیّتش بیش از جنبه‌های فرهنگی بسیج و جنبه‌های اجتماعی بسیج نیست. امام این شبکه‌سازی را کرد، این ابتکار امام بود؛ کِی؟ در دل یک تهدید بزرگ. این از خصوصیّات امام بزرگوار ما بود. غالب شماها دوران امام را درک نکرده‌اید؛ یکی از خصوصیّات امام بزرگوار ما همین بود: از دل تهدیدها ایجاد فرصت می‌کرد؛ اینجا هم همین‌جور شد. روز سیزدهم آبان در سال ۵۸، حادثه تسخیر لانه جاسوسی اتّفاق افتاد؛ قدرت درجه اوّل آن روز دنیا، یعنی آمریکا، شروع کرد به چنگ و دندان نشان دادن، تهدید کردن، تحریم کردن؛ در دل این تهدیدها، امام در روز پنجم آذر، یعنی با فاصله حدود بیست و دو سه روز از آن قضیّه، فرمان بسیج را صادر کرد؛ یعنی آن وقتی که کشور، آن هم کشوری که تازه انقلاب کرده، هیچ‌یک از ابزارهای دفاع از خودش را هم تقریباً در اختیار ندارد و مورد یک چنین تهدید بزرگی قرار گرفته، در یک چنین شرایطی امام ناگهان یک شجره طیّبه‌ای را، یک نهالی را در زمین اجتماعی و فرهنگی و نظامی کشور نشاند و آن، شجره طیّبه بسیج بود. از تهدید، فرصت ایجاد کرد.

• «خداباوری» و «خودباوری»؛ دو پایه اصیل بسیج

خب، گفتیم جنبه نظامی بسیج یکی از جنبه‌هاست. آنچه حالا عرض می‌کنم، این است که در درجه اوّل بسیج یک «مکتب» است، یک «اندیشه» است، یک «تفکّر» است؛ در واقع یک شبکه‌سازی فکری و فرهنگی است. اگر بسیج کار نظامی هم می‌کند، کار اجتماعی هم می‌کند، کار علمی هم می‌کند که می‌کند، منشأش همان منطق و اندیشه‌ای است که پایه بسیج را تشکیل می‌دهد. اگر من بخواهم آن منطق و پایه‌ای را که بسیج بر روی آن قرار گرفته، در دو کلمه توضیح بدهم و عرض بکنم، باید بگویم آن دو کلمه، عبارت است از «ایمان» و «اعتماد به نفْس»؛ یا می‌توانید تعبیر کنید: «خداباوری» و «خودباوری»؛ این دو، پایه بسیج است. بسیج بر روی خداباوری و خودباوری بنا شده. هرچه هم این درخت، امروز و فردا و آینده ثمره بدهد، ناشی از همین دو چیز است: خودباوری و خداباوری. بسیج خصوصیّات زیادی دارد که همه از این دو پایه اصلی نشأت می‌گیرد. بسیج، شهامت دارد، ابتکار دارد، سرعت عمل در کارها دارد، دید وسیع دارد، دشمن‌شناسی دارد، در برابر تحرّکات گوناگون حساسیّت دارد – اینها مال بسیج است– امّا همه اینها و سایر خصوصیّات ممتاز بسیج، ناشی از همان دو خصوصیّت است که اگر فکر کنیم، بشکافیم، بحث کنیم، کاملاً روشن می‌شود. من البتّه یک[چند] کلمه مختصری حالا عرض می‌کنم.

وقتی می‌گوییم خداباوری، نتیجه خداباوری عبارت است از تسلیم در مقابل خدا، توکّل به خدا، یقین به وعده خدا؛ خداباوری یعنی این. اوّلاً تسلیمیم در مقابل خدا، ثانیاً تکیه به کمک خدا داریم و امید به کمک خدا داریم؛ ثالثاً به وعده‌ای که خدا به ما داده، اعتماد داریم؛ مثلاً ﴿إِن تَنصُرُوا اللهَ يَنصُركُم﴾.[2] این، درباره خداباوری.

درباره خودباوری. نتیجه خودباوری و اعتماد به خود و قبول خود، عبارت است از کشف ظرفیّت‌های خود. ما خیلی اوقات از ظرفیّت‌های وجودیِ خودمان غافلیم؛ حتّی از ظرفیت‌های جسمیِ خودمان غافلیم، چه برسد به ظرفیّت‌های فکری، چه برسد به ظرفیّت‌های روحی و قلبی. خودباوری ما را متوجّه این ظرفیّت‌ها می‌کند، بعد ما را قدرشناس این ظرفیّت‌ها می‌کند و بعد موجب می‌شود که این ظرفیّت‌ها را به‌کار بگیریم. مثال‌های زیادی دارد که حالا دیگر وارد بحث و بیان جزئیّات نمی‌شویم.

البتّه «خداباوری» که عرض می‌کنیم– چه در ابعاد فرد بسیجی، چه در ابعاد سازمان بسیج– وقتی که به وجود آمد و وجود داشت، این حقیقت که وعده الهی است، در مقابل چشم انسان تجلّی پیدا می‌کند؛ یک جا[می‌فرماید:] ﴿وَلِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَالأَرضِ وَكانَ اللهُ عَليماً حكيما﴾،[3] یک جا هم[می‌فرماید:] ﴿وَلِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَالأَرضِ وَكانَ اللهُ عَزيزاً حكيما﴾؛[4] «عزیز» یعنی موجودی که غلبه می‌کند و هرگز مغلوب نمی‌شود؛ این معنای «عزیز» است. وَلِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَالأَرض؛ همه این اجزای بی‌نهایت عالم وجود، لشکر خدایند؛ اگر ما بنده خدا باشیم، این لشکر می‌تواند به کمک ما بیاید؛ این از سنّت‌های الهی و سنّت‌های طبیعی است؛ البتّه فرماندهیِ این لشکر با ما نیست که هر وقت اراده کردیم، از این لشکر الهی استفاده کنیم؛ فرمانده خداست؛ منتها این فرمانده، در شرایط خاص و با شرایط معیّن، وقتی که ما آماده باشیم، این را در اختیار ما می‌گذارد. اینها حرف قرآن است. اینها تعبیرات صریح قرآن کریم است: ﴿بَلى إِن تَصبِروا وَتَتَّقوا وَيَأتوكُم مِن فَورِهِم هذا يُمدِدكُم رَبُّكُم بِخَمسَةِ آلافٍ مِنَ المَلائِكَةِ مُسَوِّمين﴾؛[5] اگر شما آماده باشید، ملائکه الهی هم به کمک شما می‌آیند. ما این کمک‌ها را دیدیم؛ هم در دفاع مقدّس دیدیم، هم قبلش دیدیم، هم بعدش دیدیم، هم در میدان سیاسی دیدیم، هم در میدان جنگ نظامی دیدیم، هم در میدان علمی دیدیم کمک‌های الهی را. کمک الهی را کجا می‌شود دید؟ آن جایی که کاری که شما انجام می‌دهید که به‌خیال خودتان، به نظر خودتان ناممکن است؛ امّا ممکن می‌شود، تحقّق پیدا می‌کند. خب، اینها خصوصیّات مربوط به خداباوری نیروی بسیج است و عرض کردیم که هم سازمان بسیج، هم شخص هر بسیجی؛ اعتماد به نفْس، توانایی‌های فکری و روحی و جسمی خود را شناختن، قدرت اراده و تصمیم‌گیری را قدردانستن، مقهور اراده دشمن‌نشدن.

• ضرورت شناختن قدرت تصمیم‌گیری و قدرت اراده خود

یک عاملی در وجود ما هست که خیلی اوقات از آن عامل غفلت می‌کنیم؛ آن چیست؟ آن، قدرت تصمیم‌گیری است، قدرت اراده است. ما اراده داریم، قدرت اراده داریم. اراده یک انسان گاهی آن‌قدر قوی می‌شود که می‌تواند، یک چیزی را خلق کند، به وجود بیاورد؛ این قدرت در ما هست؛ نمی‌شناسیم، قدر نمی‌دانیم، تقویتش نمی‌کنیم. در زندگی بسیجی و مکتب بسیجی، شناختن این توانایی ذاتی و درونی انسان، یکی از برجستگی‌ها و امتیازهاست. خب این خصوصیّات که شما مقهور اراده دشمن نشوید، اراده خودتان را غلبه بدهید، اعتماد به نفْس داشته باشید، خصوصیّات خودتان را بشناسید، اینها درست نقطه مقابل نقشه‌های استکبار جهانی برای ملّت‌هاست؛ درست نقطه مقابلِ اینهاست.

یکی از اوّلین کارهای استکبار جهانی، یعنی سلطه‌های جهانی، قدرت‌های سلطه عالم برای تسلّط بر ملّت‌ها این است که توانایی‌های آن ملّت‌ها را انکار کنند، آن ملّت‌ها را تحقیر کنند؛ این[حرف] هم در قرآن هست؛ در مورد فرعون [می‌گوید:] ﴿فَاستَخَفَّ قَومَهُ فَأَطاعوه﴾؛[6] حالا او نجیب‌تر از سلاطین امروز دنیا بود؛ سلطانِ آمریکا، سلطانِ اروپا– اینها سلطانند دیگر– او نجیب‌تر از اینها بود. او فقط روی مردم خودش این کار را می‌کرد؛ اینها روی ملّت‌های دیگر این کار را می‌کنند. «فَاستَخَفَّ قَومَهُ فَأَطاعوه»؛ قوم خودش را خفیف کرد، تحقیر کرد، کوچک نشان داد، امتیازات‌شان را انکار کرد: ﴿أَلَيسَ لي مُلكُ مِصرَ وَهذِهِ الأَنهارُ تَجري مِن تَحتي﴾؛[7] نتیجه‌اش این شد که این قوم دیدند که خب او بالاتر است؛ لذا از او اطاعت کردند. نقشه استعمار این است: تاریخ شما را انکار کنند، هویّت شما را انکار کنند، توانایی‌های شما را انکار کنند؛ وقتی شما می‌خواهید نفت کشور خودتان را که در اختیار انگلیس است، ملّی کنید، عوامل‌شان در داخل کشور بیایند سخنرانی کنند. بنویسند که «چه حرف‌ها! ایرانی مگر می‌تواند پالایشگاه آبادان را اداره کند؟ ایرانی آفتابه گلی هم نمی‌تواند بسازد»! این‌جوری تحقیر کنند ملّت‌ها را. بسیج، نقطه مقابل این است؛ بسیج، نقطه مقابل این تحقیر ملّی است. سلطه‌گران برای اینکه بتوانند تسلّط پیدا کنند، دست‌کاری می‌کنند باورهای ملّی را. یک ملّتی یک تاریخی دارد، یک اعتقادی دارد، یک بزرگانی دارد، یک باوری دارد؛ این را دستکاری می‌کنند، خراب می‌کنند، تحقیر می‌کنند.

• تفکّر بسیجی؛ یعنی رفع تحقیر و ایجاد خودباوری

عزیزان من، برادران من، خواهران من، فرزندان من! ایران در طول سال‌های طولانی، به‌خصوص در دوران قاجار و پهلوی تحقیر شد. انقلاب آمد ورق را برگرداند. بعد از جنگ جهانی اوّل، یک کنفرانسی در پاریس تشکیل شد که کشورهای متعدّدی در آن کنفرانس شرکت کردند برای تصمیم‌گیری درباره وضع دنیا. شرکت‌کنندگان کسانی بودند که در جنگ شرکت داشتند یا آسیب دیده بودند؛ ایران هم جزو آسیب‌دیدگان جنگ اوّل جهانی بود که یک هیأتی را فرستاد؛ [امّا] هیأت ایرانی را در کنفرانس پاریس راه ندادند. این‌جور تحقیر می‌کردند؛ ملّت ایران در یک دوره‌ای این‌جور تحقیر شده. تفکّر بسیجی این حصار را می‌شکند؛ این سلاح نرم‌افزاریِ بسیار خطرناک را تفکّر بسیجی از اثر می‌اندازد. تفکّر بسیجی خودباوری می‌دهد. یک نوجوان، یک جوان احساس می‌کند حضور دارد، توانایی دارد؛ این خودباوری‌اش است، خداباوری‌اش را هم که عرض کردیم؛ می‌داند همه عالمِ وجود، لشکر خداست: ﴿وَلِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَالأَرض﴾[8] و اگر در راه خدا حرکت کند، این لشکر به کمکش می‌آید. امروز هم همین‌جور است، فردا هم همین‌جور است. بدون‌شک این روحیه بسیجی، این توانایی بسیجی، این حالت بسیجی که در کشور ما هست و خوشبختانه در تعدادی از کشورهای دیگر، در اعضای جبهه مقاومت[هم] این روحیه وجود دارد، قطعاً بر همه سیاست‌های آمریکا و غرب و استکبار و رژیم صهیونیستی غلبه پیدا خواهد کرد.

• بسیج سدی در مقابل ضربه‌های گوناگون

بعد از پیروزی انقلاب هم امام از بسیج سدّی درست کرد در مقابل ضربه‌های گوناگون؛ هم قبل از دفاع مقدّس، هم در خود دفاع مقدّس، هم بعد از دفاع مقدّس؛ هم در میدان نظامی، هم در میدان اجتماعی، هم در میدان علمی، هم در تولید سلاح و هم در صحنه‌های بین‌المللی و سیاسی. توجّه دارید که قدرت اجتماعی و قدرت علمی، تولید قدرت سیاسی می‌کند. یک ملّت اگر توانست، در درون خود اتّحاد خود را، عزم خود را، ایستادگی خود را، تعداد قابل توجّهی نیروی فعّال وسط میدان خود را نشان بدهد، توانایی علمی خودش را نشان بدهد، توانایی اجتماعی خودش را نشان بدهد، قوّت سیاسی هم پیدا می‌کند؛ در [فضای] بین‌الملل می‌تواند حرف محکم بزند، می‌تواند حرفش را پیش ببرد؛ این کارها را امام رحمه‌الله انجام داد.

• بسیج، فعال در عرصه‌های ایمن‌سازی، سازندگی، علمی و بین‌المللی

بسیج، هم در دفاع مقدّس نقش ایفا کرد، هم در ایمن‌سازی و در حفظ امنیّت کشور نقش ایفا کرد، هم در کار سازندگی، هم در کار علمی. این کسانی که توانستند، آن توطئه خباثت‌آلود آمریکا را در قضیّه اورانیوم غنی‌سازی‌شده ۲۰ درصد که مورد احتیاج کشور بود بشکنند، بسیجی بودند؛ شهید شهریاری بسیجی بود، شهدای هسته‌ای ما اساتید بسیجی کشور بودند. [این] یک داستان مفصّلی دارد. ما اورانیوم غنی‌سازی‌شده ۲۰ درصد را برای رادیوداروها احتیاج داشتیم؛ نیاز مبرم کشور بود. یک مقدار داشتیم که از سابق تهیّه شده بود، داشت تمام می‌شد؛ باید می‌خریدیم. از چه کسی؟ از آمریکا. آمریکایی‌ها گفتند که شما هرچه تولید ۳/۵ درصد دارید به ما بدهید، ما در مقابل به شما ۲۰ درصد می‌دهیم. دو رئیس‌جمهور معروف آن روز دنیا را –که من نمی‌خواهم اسم بیاورم و با ما هم روابط خوبی داشتند– واسطه قرار دادند که این اتّفاق و این معامله انجام بگیرد. مسئولین کشور ما هم قبول کردند؛ مال نیمه دوّم دهه هشتاد است. وسط مذاکرات، دیده شد که آمریکایی‌ها دارند کلک می‌زنند. فهمیدیم که آنها دارند کلک می‌زنند، جلویش گرفته شد. در همان حینی که اینها خیال می‌کردند، به‌خاطر نیاز کشور به ۲۰ درصد، ایران تسلیم خواهد شد، در همان زمان، اساتید بسیجی ما در داخل، خودشان [اورانیوم] ۲۰ درصد را تولید کردند! آمریکایی‌ها باورشان نمی‌آمد که این اتّفاق بیفتد. من یک وقتی چندسال پیش همین جا گفتم[9] که در این فرایند غنی‌سازی اورانیوم، آن بخش بسیار مشکلش، رسیدن تا ۲۰ درصد است. از آنجا به بعد، خیلی آسان است. این بخش مشکل را درحالی‌که دشمن درحال کلک‌زدن به ما بود، بچّه‌های بسیجی ما، جوان‌های بسیجی ما، دانشمندان بسیجی ما، خودشان در داخل تولید کردند. از آنها بی‌نیاز شدیم. بسیج در این میدان‌ها کار کرده. در تعاملات جهانی، بسیج فعّال بوده. پس هم در [مسائل] نظامی، هم در اجتماعی، هم در علمی، هم در سیاست بین‌الملل، نیروی بسیج فعّال بوده، کارآمد بوده و توانایی‌های زیادی داشته.

عرض کردیم که خیلی از اینها البتّه در داخل سازمان بسیج اتّفاق نیفتاده، مال بیرون بسیج است؛ امّا آنچه برای ما مهم است، این است: روحیه بسیجی، مکتب بسیجی و فرهنگ بسیجی. این را سعی کنید، از دست ندهید. شما بسیجی‌های امروز کشور، هرجا هستید، اگر در کارخانه‌اید، اگر در دانشگاهید، اگر در حوزه‌اید، اگر در آزمایشگاه علمی هستید، اگر در میدان جنگید، این امتیاز را، این روحیه را، این آماده‌به‌کاری را، این حسّاس بودن در قبال حوادث را از دست ندهید، آماده باشید. نکته اوّل این است.

• «تفکّر بسیجی» شکننده بن‌بست است

نکته دوّم: در دنیای امروز، بسیاری از جوان‌ها در کشورهای مختلف به بن‌بست ذهنی می‌رسند و احساس بیهودگی می‌کنند. جوان است، آرمانی ندارد، هدفی ندارد، احساس بیهودگی می‌کند؛ البتّه خیلی‌ها پوست‌کلفتند؛ امّا بعضی‌ها لطیفند، حسّاسند، احساس بیهودگی می‌کنند، خودکشی زیاد می‌شود. شما می‌شنوید و در آمارها می‌خوانید که در دنیا خودکشی زیاد می‌شود؛ به‌خاطر همین است؛ جوان احساس بن‌بست ذهنی می‌کند، احساس بیهودگی می‌کند، احساس می‌کند در مقابل موانع گوناگونی که در مقابلش هست، ناتوان است؛ [لذا] این احساس ناتوانی او را به بن‌بست می‌کشاند. «تفکّر بسیجی» شکننده بن‌بست است. یکی از خصوصیّات تفکّر بسیجی و فرهنگ بسیجی این است: بن‌بست‌شکن است. اجازه نمی‌دهد که جوان به بن‌بست برسد؛ چرا؟ چون با این تعریفی که ما کردیم، اوّلاً به خودش اعتماد دارد، به توانایی‌های خودش اعتماد دارد و می‌داند که اگر همّت کند، می‌تواند. ثانیاً، مرعوب های‌وهوی سلطه‌گران نیست؛ بسیج این‌جوری است دیگر. الآن شما ببینید، تبلیغات آمریکا و رژیم صهیونیستی و دیگران، چه جنجالی سر قضایای مختلف، راست، دروغ راه می‌اندازند! جوان بسیجی لبخند تمسخر می‌زند به این هیاهوها و اعتنائی نمی‌کند؛ بنابراین مرعوب نیست. ثالثاً، جوان بسیجی دارای آرمان است، دارای هدف است؛ بی‌هدف نیست؛ به هدف خودش هم ایمان دارد. هدف جوان بسیجی، «جامعه اسلامی» است و بعد از آن، «تمدّن اسلامی» است؛ دارد به این سمت پیش می‌رود. هدف جوان بسیجی «استقرار عدالت» است؛ فکر می‌کند می‌تواند، این کار را بکند و در این راه پیش می‌رود.

• بسیجی ایرانی یقین دارد، روزی رژیم صهیونیستی را از بین خواهد برد

جوان بسیجی از مرگ هم که نمی‌ترسد؛ می‌بینید دیگر، در دفاع مقدّس می‌آمدند گریه می‌کردند، التماس می‌کردند که اجازه بدهید ما برویم. سنّشان مناسب نبود، اجازه داده نمی‌شد؛ گریه، التماس؛ این مال ۴۰ سال پیش، ۳۵ سال پیش است مثلاً. چند سال پیش هم در دفاع از حرم همین‌جور بود. در دفاع از حرم چقدر جوان‌ها به بنده نامه می‌نوشتند، بعضی‌ها ملاقات می‌کردند که آقا اجازه بدهید ما برویم. اجازه داده نمی‌شد، می‌رفتند به فلان گروهی که اجازه داشتند، خودشان را می‌رساندند. شنیده‌اید دیگر، خوانده‌اید احوالات‌شان را و می‌دانید. از مرگ نمی‌ترسد. آخر کار هم شهادت است. معتقد به شهادت است؛ معتقد است که اگر در این راه از دنیا رفت، در عالی‌ترین مقامات معنوی الهی جا خواهد گرفت؛ پس راه در مقابل او باز است؛ بن‌بست ندارد دیگر. یک‌چنین آدمی، دیگر احساس بن‌بست نمی‌کند؛ چون بن‌بست وجود ندارد؛ برای همین است، به‌همین دلایل است که بسیجی ایرانی یقین دارد که سرانجام در یک روز، رژیم صهیونیستی را قطعاً از بین خواهد برد.

• ضرورت عمق‌سازی و کیفی‌سازی بسیج

نکته بعدی[اینکه] بسیج در کشور باید روزبه‌روز تقویت بشود؛ بسیج را باید تقویت کرد. پرچم بسیج، پرچم دفاع از حقوق ملّت است؛ پرچم دفاع از حقیقت است. این پرچم باید همیشه در اهتزاز بماند. این، کمک لازم دارد، این، تقویت لازم دارد. چه جوری تقویت کنیم؟ عمق‌سازی، کیفی‌سازی. عمق بدهیم. معارف بسیجی در ذهن جوان بسیجی عمق پیدا کند، کیفی‌سازی بشود؛ سطحی به مسائل نگاه نشود. کتاب لازم است، مطالعه لازم است، مباحثه لازم است، حلقات درسی لازم است، حلقات تحقیقی لازم است؛ اینها باید انجام بگیرد.

یک بُعد از تقویت بسیج هم این است که بایستی به‌عنوان بازوی اجرایی و به‌عنوان بازوی فعّال برای دستگاه‌های اجرایی کشور، همه‌جا حاضر و آماده‌به‌کار باشند؛ در بخش نظامی، در بخش علمی، در بخش خدمت‌رسانی، در تعلیم و تربیت، در تبیین، در تبلیغ، در کارآفرینی؛ که حالا در این نمایشگاهی که به من نشان دادند، خیلی از اینها را فی‌الجمله بسیج دنبالش است و ان‌شاءالله باید با شدّت و قوّت ادامه پیدا کند. در گذشته هم همین‌جور بوده؛ بسیج در طول این سال‌های متمادی، همیشه به دولت‌ها کمک کرده، بازوی فعّال دولت‌ها بوده؛ البتّه بعضی از دولت‌ها قدرشناسی کردند، بعضی هم قدرشناسی نکردند؛ کمک بسیج را گرفتند و از او تشکّر نکردند.

• مقابله با «استبداد» یا «هرج‌ومرج» رسالت مهم بسیج

در زمینه سیاسی هم [همین‌طور]؛ این هم جزو چیزهایی است که تقویت بسیج است. بسیج بداند که قواره مطلوب آمریکا برای کشورهای این منطقه، یک دوگانه است: یا «استبداد» یا «هرج‌ومرج»؛ به‌تعبیر فرنگی: یا دیکتاتوری یا آنارشیسم. آمریکا برای این منطقه این دوگانه را در نظر دارد. یک کشوری که مورد نظر آنهاست، یا اینکه بایستی یک قدرت مستبدّی در رأس باشد که بتوانند، با او ببندند. هر کاری می‌خواهند با او قرار بگذارند و او تسلیم آنها بشود؛ یا اگر این نشد، باید [آن] کشور هرج‌ومرج پیدا کند، زندگی بر مردم دشوار بشود. بسیج با هر دوی اینها باید مقابله کند؛ هم با ایجاد دیکتاتوری و استبداد، هم با ایجاد هرج‌ومرج و اغتشاش؛ هرکدام از این دو در کشور پیش بیاید، دست دشمن در کار است و [بسیج] باید در مقابلش بِایستد. خب، حالا اینها مسائل مربوط به بسیج بود که عرض کردیم. حرف درباره بسیج بیش از اینهاست؛ این فعلاً مقداری [از حرف‌ها بود].

• دشمن در غزّه و لبنان پیروز نخواهد شد

یک جمله هم درباره منطقه عرض بکنم. من درباره این مسائل جاری لبنان و فلسطین و غزّه و مانند اینها که همه در جریان قضایا هستید و خبرها را می‌بینید و می‌شنوید و اطّلاع پیدا می‌کنید، دو نکته را بگویم. نکته اوّل این است که بمباران خانه‌های مردم پیروزی نیست؛ احمق‌ها خیال نکنند، چون خانه مردم را بمباران می‌کنند، چون بیمارستان را بمباران می‌کنند، چون اجتماعات مردم را بمباران می‌کنند، پس پیروز شدند؛ نه، هیچ‌کس در دنیا، این را پیروزی نمی‌داند؛ اینها پیروزی نیست. دشمن در غزّه پیروز نشده، دشمن در لبنان پیروز نشده؛ دشمن در غزّه و لبنان پیروز نخواهد شد. آن کاری که اینها کردند، پیروزی نیست؛ جنایت جنگی است. خب حکم بازداشتش را صادر کردند؛[10] [امّا] کافی نیست؛ بایستی حکم اعدام نتانیاهو، حکم اعدام این سران جنایت‌کار صادر بشود. این نکته اوّل.

• جنایت‌های رژیم صهیونیستی، نتیجه معکوس دارد

نکته دوّم: جنایت‌های رژیم صهیونیستی، هم در لبنان، هم در غزّه و فلسطین، عکس آنچه را که آنها می‌خواهند، ایجاد می‌کند؛ یعنی مقاومت را تقویت می‌کند و تشدید می‌کند؛ این هم یک قاعده کلّی است؛ این هیچ برو برگرد ندارد. جوان غیور فلسطینی، جوان غیور لبنانی می‌بیند که اگر در میدان مبارزه باشد، خطر هست، اگر در میدان مبارزه هم نباشد، باز هم خطر هست؛ پزشک است، پرستار است، بیمار است، کارگر است، کاسب است؛ امّا خطر مرگ، خطر بمباران، خطر تهدید دشمن هست؛ خب برای این [فرد] دیگر راهی باقی نمی‌ماند. می‌گوید: بروم مبارزه کنم؛ او را وادار می‌کنند. این احمق‌ها به دست خودشان جبهه مقاومت را دارند، توسعه می‌دهند و تشدید می‌کنند؛ این یک الزام قطعی است و تخلّف‌ناپذیر است و بنده امروز دارم می‌گویم: امروز جبهه مقاومت هر اندازه گسترش دارد، فردا این گسترش چندبرابر خواهد شد. پروردگارا! این سرانجامِ مطلوبِ همه بندگان صالح خودت را به‌حقّ محمّد و آل محمّد هرچه زودتر برسان.

• پی‌نوشت‌ها

۱. در ابتدای این دیدار، سرتیپ غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین گزارشی ارائه کرد.

۲. سوره محمّد، بخشی از آیه ۷: «... اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان می‌کند ...»

۳. سوره فتح، بخشی از آیه ۴: «... و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.»

۴. سوره فتح، آیه ۷: «و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست و خدا همواره شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار است.»

۵. سوره آل‌عمران، آیه ۱۲۵: «آری، اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان‌گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان‌دار یاری خواهد کرد.»

۶. سوره زخرف، بخشی از آیه ۵۴.

۷. سوره زخرف، بخشی از آیه ۵۱: «... آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر [کاخ‌های] من روان است، از آنِ من نیست؟ ...»

۸. از جمله سوره فتح، آیه ۴: «... و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست ...»

۹. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فنّاوری (۱۳۹۴/۸/۲۰).

۱۰. دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه پس از ماه‌ها تأخیر، در تاریخ یکم آذر امسال، حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) و گالانت (وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی) را به اتّهام ارتکاب جنایت جنگی در غزّه صادر کرد.